

## تصمیمات دادگاهها

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه متهم بجمال از لحاظ قابل اضرار نبودن بغیر ( با ضرر داشتن برای دولت) تبرئه شده

ماده ۹۷ و ۱۰۲ و ۱۰۵ قانون کیفر

جمال در آن شده و بواسطه این عمل موجبات اضرار دولت و افراهم  
نموده وارد و موجه است چه آنکه دادگاه بجمال اینک این  
عمل بتمهائی قابل اضرار بغیر نیست آنرا جمال نشناخته در  
صورتیکه عمل مزبور بر فرض اینکه بمؤدی که فیوض صحیح  
در دست داشت متضمن اضرار نباشد برای اداره دارائی موجب  
ضرر و زیان است زیرا برای تسویه حساب همان ته چک که  
ادعای جمال بر آن شده ملاک اعتبار و سند خواهد بود که  
اختلاس مبلغ مورد هم بدینوسیله و از همین طریق صورت  
گرفته است بنا بجهات مذکوره حکم فرجام خواسته در قسمت  
تبرئه متهم نقض میشود ۰۰۰

کسی بیزه اختلاس و جمال در قبض وصول مالیات  
تعقیب شد و در دیوان کیفر برای بزه اول بانفصال ابد در پرداخت  
۵ برابر مال مورد اختلاس محکوم گردیده و نسبت بجمال از  
لحاظ اینکه عمل قابلیت اضرار بغیر نداشته تبرئه میشود -  
دادستان و قلم فرجام خواسته اند - شعبه (۲) دیوان کشور  
در دادنامه شماره ۱۳۰۵ بتاریخ ۶ ر ۶ ۱۸ چنین رأی  
داده است:

اعتراض دادستان دیوان بجزا در قسمت تبرئه فرجامخواه  
از اتهام جمال باینکه ملاک رسیدگی به ابواب جمع می متهم همان  
سوش قبض بوده که وی برای اختلاس مبلغ تفاوت مرتکب

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه حبس تأدیبی را شدیدتر از حبس در دارالتأدیب دانسته

ماده ۳۶ قانون کیفر و ماده ۳۴ آیین دادرسی کیفری

حکم فرجام خواسته از این جهت که دادگاه استان  
بانشخیص اینکه متهم زائد بر ۱۸ سال داشته از نظر اینکه  
حبس تأدیبی اشد از حبس در دارالتأدیب است و در این مورد  
که پژوهش خواه خود متهم است تشدید مجازات جایز نیست  
حکم جنحه را تأیید نموده است بخدوش بنظر میرسد چه  
آنکه حبس در دارالتأدیب با حبس تأدیبی در عرض یکدیگر  
بوده و ذاتاً باقطع نظر از مدت نسبت بهم اخف و اشد محسوب  
نمیشوند و بنا بر این حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۴۳۰  
مکرر قانون اصول محاکمات جزائی نقض میشود ۰۰۰

کسی در دادگاه جنحه بیزه قتل غیر عمدی بواسطه  
بی احتیاطی (طبق ماده ۳۶ و ۱۷۷ قانون کیفر) بحبس در  
دارالتأدیب محکوم میشود - محکوم علیه پژوهش خواسته و  
دادگاه استان بانشخیص اینکه متهم بیش از ۱۸ سال دارد از  
لحاظ پژوهش نخواستن دادستان دادنامه را استوار میکند  
متهم درخواست رسیدگی فرجامی نموده و شعبه (۵) دیوان  
کشور در دادنامه شماره ۱۲۹۳ بتاریخ ۱۵ ر ۶ ۱۸ چنین  
رأی داده است:

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دیوان کیفر بتقصیر اداری کارمند دولت رسیدگی کرده

ماده ۱۹۳ و ماده ۲۸۸ قانون کیفر (مصوب ۱۳۱۰) و ماده ۲۴ آیین دادرسی کیفری

طبق ماده ۱۲۴ قانون محاکمات جزائی محکوم است بانفعال  
از شغل خود)

دادستان و متهم فرجام خواسته اند - شعبه (۲) دیوان  
کشور در دادنامه شماره ۹۴۰ بتاریخ ۲۸ ر ۴ ر ۱۸ چنین  
رأی داده است :

« اعتراض دادستان دیوان جزای عمال دولت بر حکم  
فرجام خواسته خلاصه آنکه [ عمل موضوع اتهام با ماده ۱۹۳  
قانون مجازات عمومی انطباق دارد و تطبیق دادگاه عمل مشارالیه  
را با ماده ۱۲۴ اصول محاکمات جزائی بيمورد می باشد ]  
وارد و توجه نیست زیرا مشارالیه موقع مداخله در عمل منشاء  
اتهام خود (تعمیب ۰۰ با اتهام سرقت) از مأمورین شهربانی  
متصدی کشف جرائم و بازجوییهای مقدماتی و از ضابطین  
دادگستری بشمار میرفتند و بر حسب مستفاد از مجموع مقررات  
فصل اول و دوم باب اول قانون اصول محاکمات جزائی  
[ از ماده ۱۸ تا ماده ۲۷ ] حق توقیف و نگاهداری متهمین  
بارتکاب بزه هارا در بعضی موارد باندازه ضرورت در حدود  
مواد مربوطه دارند چنانچه از ماده ۱۲۴ اصول مزبور صراحتاً  
این معنی استنباط میشود - نسبت باصل قضیه منشاء این  
اتهام مأمور نامبرده در حدود اجازه مقررات وظیفه دار مداخله  
بوده و اجنبی محسوب نمیشده لیکن اقدام او راجع بخصوص  
توقیف شخص مزبور و ابقاء آن مخالف قانون و تجاوز از  
حدود وظیفه تلقی میشود - و ماده ۱۹۳ قانون مجازات  
عمومی را نمیتوان بطور عموم شامل اینگونه موارد دانست  
بلکه این ماده ظاهراً و بطور قدر مسلم ناظر است بموارد بیکه  
مرتکب عمل مزبور در آن غیر از ضابطین دادگستری باشد  
با آنکه اگر سمت ضابطی هم داشته باشد نسبت بخصوص  
موضوع اصولاً بیچوجه برای دخالت صالح نباشد و چنانچه

یکی از ضابطین دادگستری بیزه اینکه دو مرتبه بیش  
از ۲۴ ساعت کبیرا (بدون صدور قرار از مرجع صالح)  
توقیف کرده مورد تعقیب دادرسی دیوان کیفر واقع شده و دادستان  
آنجا طبق ماده ۱۹۳ قانون کیفر و ۱۲ الحاقی ادعای بیکه دیوان  
مزبور میفرستد دیوان کیفر چنین رأی داده است (عمل متهم  
مشمول ماده ۱۲۴ اصول محاکمات جزائی بوده و با ماده  
۱۹۳ قانون مجازات عمومی که مورد استناد است انطباقی  
ندارد چه ماده اخیر الذکر ناظر است بموارد بیکه - هر کس  
اعم از حکام و نواب حکام و سایر مأمورین دولتی و غیر آنها  
بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که  
قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را  
توقیف یا حبس کند و در این مورد چون متهم از ضابطین دادگستری  
بشمار و بموجب مقررات فصل دوم از باب اول قانون اصول  
محاکمات جزائی حق جلب و توقیف اشخاص را داشته است  
مستقیماً منطبق با ماده ۱۹۳ قانون مجازات نمیگردد و هر  
چند در ماده ۱۲۴ قانون محاکمات جزائی هم قید شده است  
که این توقیف در ردیف توقیفاتی است که باراده شخص بعمل  
آید ولیکن این قید مستلزم آن نیست که این قبیل موارد از  
حیث مجازات عطف بماده ۱۹۳ با موارد دیگری از قانون  
مجازات گردد زیرا در ماده ۱۲۴ متعاقب همان قید تکلیف  
خاصی معین گردیده و عبارت صریح نوشته است که در این صورت  
هر یک از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده از شغل  
خود منفصل میشوند - به علاوه قانون مجازات بعد از قانون اصول  
محاکمات جزائی وضع و بتصویب رسیده و با اینحال امکان  
نداشته که ماده ۱۲۴ اصول محاکمات عطف بمواد قانون  
مجازات عمومی داشته و بانوجه بمراتب نگاشته شده در بالا و  
احراق اعمال انتسابی متهم از جهت هر یک از دو فقره توقیف

قائل شویم امر توقیف یا ابقاء آن از طرف ضابطین هم در صورت مخالفت با مقررات مطلقاً مشمول ماده مزبور و بزه عمومی است باز مطابق اصول کلیه جزائی باید حمل شود بر غیر موارد اشتباه موضوعی مرتکب ناشی از سوء تفسیر قانون یا قابل تفسیر بودن آن و از مدافعات متهم میتوان استنباط کرد که عمل خود را نسبت بتوقیف . . . اقدام موافق مواد قانونی و مقررات تصور کرده و این تصور او هم مخالف صریح یا ظاهراً غیر قابل تردید مواد مربوطه نبوده بعبارت دیگر مواد قابلیت برای تفسیر و تصور مزبور داشته است بنابر این عمل موضوع ادعا بر هر تقدیر قابل تطبیق با ماده استنادی دادستان دیوان اجرا نمیباشد و نظر باینکه هیچیک از مواد قانونی دیگر راجع بزه های عمومی شامل عمل مزبور نمیشود ناچار آرا باید در عداد تقصیرات اداری شمرده چنانچه مجازات مقرر در ماده ۱۲۴ اصول محاکمات جزائی ( فقط انفصال از شغل ) برای توقیف غیر قانونی صادر از مأمورین مزبور

در آن ماده که دادگاه صادر کننده حکم در این مورد طبق آن مجازات معین کرده مشعر است بتقصیر اداری بودن عمل مزبور و ماده ۲۸۸ قانون مجازات عمومی نیز این معنی را تأیید میکند و بهمین ملاحظه اعتراض فرجامی محکوم علیه بر حکم صادر مبنی بر عدم صلاحیت دیوان اجرای عمال دولت برای رسیدگی و اصدار حکم وارد بنظر میرسد چه کلیه مواد مربوطه بصلاحیت و مرجعیت دیوان مزبور برای رسیدگی بیک قسمتی از بزهای کارمندان دولت بجای دادگاه عمومی بطور استثناء موضوعاً ناظر است بآن مالیکه بزه عمومی شمرده میشوند و مسلماً شامل تقصیرهای اداری نخواهد بود و مرجع رسیدگی بتقصیر اداری همان دادگاههاست که بموجب قوانین و مقررات دیگر معین شده بنا بر مراتب مذکور حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی از جهت صالح نبودن دادگاه صادر کننده آن بموجب ماده ۳۰۴ اصول محاکمات جزائی بانفاق آراء نقض میشود . . .

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه مرور زمان اختلاس کمتر از ۵۰۰ ریال را یکسال دانسته

ماده ۷۰ آئین نامه دادرسی اداری و ماده ۱۰۱ قانون کیفر

کارمندان اداره بانهم چند فقره اختلاس مورد تعقیب دادسرای دیوان کیفر واقع شده و در دیوان کیفر نسبت بانچه کمتر از ۵۰۰ ریال بوده قرار منع تعقیب بواسطه مرور زمان صادر و نسبت ببیک فقره که بیش از پانصد ریال بوده و در رسیدگی واقع و محکوم میشود - دادستان و محکوم علیه درخواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه ( ۵ ) دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۲۸۵ بتاریخ ۱۴ ر ۱۸۶۶ چنین رأی داده است.

و برای آنها مجازات اداری معین شده یکسال قرار داده اند نه برای هر جرمی که در دادگاه اداری رسیدگی میشود و او آنکه جرم جنبه محبوب بوده و مجازات جنبه دارد و برای اختلاس کمتر از پانصد ریال علاوه بر مجازات اداری بر طبق جزء ۴ از قانون متمم قانون دیوان اجرای عمال در مجازات نقدی مقرر شده و مرور زمان آن تابع مرور زمان جرائم جنبه خواهد بود بنا بر مراتب مذکوره در این قسمت بجهات فوق و در قسمت محکومیت متهم بملاحظه عدم رعایت تعدد جرم که دادگاه بواسطه منع تعقیب در قسمت کمتر از پانصد ریال جرم را بدون تعدد تلقی نموده است حکم فرجام خواسته برخلاف قانون صادر شده و بر طبق ماده ۳۰۴ قانون اصول محاکمات جزائی بانفاق آراء نقض میشود . . .

استدلال دادگاه برای حصول مرور زمان در قسمت اختلاسهائیکه وجوه آنها در هر مرتبه کمتر از پانصد ریال بوده مخدوش بنظر میرسد چه آنکه در ماده ۷۰ آئین نامه مدت مرور زمان برای جرائم اداری که در همان قانون ذکر شده